



بهاء‌الدین خرمشاهی

به نام خداوند جان آفرین

حکیم سخن در زبان آفرین

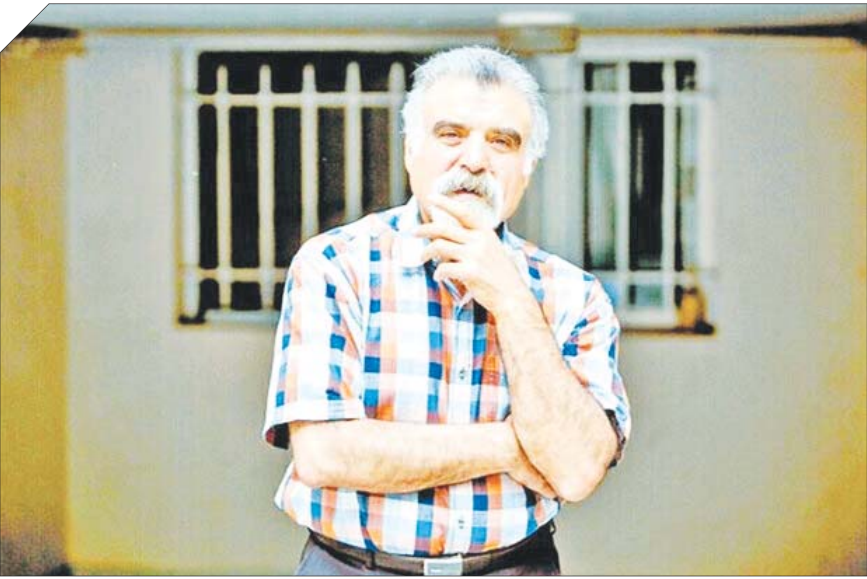
این کتاب، یعنی «غزل اجتماعی معاصر»، اثر مهدی مظفری‌ساوجی، کتابستان است. کتابی در چهار جلد وزیری و در بیش از دو‌هزارو پانصد صفحه که هم تاریخ و نقادی است و هم گنجینه‌ای از این گونه غزل. چه‌بسا غزل سیاسی هم در آن مُندرج است.

تاریخ شعر عاشقانه، به گمان و برآورد من نوشتنی نیست، زیرا بیش از ده جلد و مانند «استثنای اکثر» می‌شود، چراکه از آغاز شعر فارسی، شکفته است و هنوز هیچ‌کس آخرین دفتر شعر عاشقانه را نگفته است.

فرزند فرزانه فرهنگی و فرهنگ‌پرورم، استاد مهدی مظفری‌ساوجی، از شاعرانِ

مروری بر «سراب‌گرایی صنعتی در نظام قبایلی ایران»

صنعت به‌مثابه نظام حیات جمعی



روش‌شناسی، فلسفه، علوم اجتماعی و ادبیات. توانست به یک پدیده استثنایی و از جهاتی تکرارنشدنی تبدیل شود». فرشاد مؤمنی به «یادگارهای اندیشه‌ای کم‌نظیر» رضاقلی اشاره می‌کند ازجمله آثار درخشان «جامعه‌شناسی خودکامگی» و «جامعه‌شناسی نخبه‌کشی» و «اگر نورث ایرانی بود» و کتاب اخیر «سراب‌گرایی صنعتی در نظام قبایلی ایران» که از نظر او به‌واقع گره‌گشاست. همچنین رضاقلی را مانند مصلحان بزرگ جهان می‌داند که پیش از هر چیز گرفتاری‌های سرزمینش را بحران اندیشه‌ای می‌دانست و ازاین‌رو با تمام وجود همه عمرش را بر سر ارتقایبنیه اندیشه‌ای ایران گذاشت. مؤمنی با تحلیل کارنامه اندیشه‌ای رضاقلی، مسئله سه‌گانه او («جامعه‌شناسی خودکامگی» و «جامعه‌شناسی نخبه‌کشی» و «اگر نورث ایرانی بود» را «نانمی» می‌خواند و کتاب اخیر «سراب‌گرایی صنعتی در نظام قبایلی ایران» را نوعی تکمیل آن میراث اندیشه‌ای و امتداد آن می‌داند که بنا دارد راه برون‌رفت از این وضعیت را نشان دهد، و آن راه از دید رضاقلی، «تولید فناوریانه» است که مؤمنی آن را «افق‌کشایی بی‌نظیر» می‌خواند و اظهار امیدواری می‌کند که به اندازه اهمیتش مورد توجه قرار گیرد. «رضاقلی نه‌تنها صنعت و پیوند فعالیت صنعتی در ایران را با همه وجوه حیات جمعی ایرانیان گره‌خورده می‌بندد بلکه نشان می‌دهد برای این سرزمین که از دیرباز به دلایل و علل پرشماری با ساخت تولید معیشتی، فقر، عقب‌ماندگی و بلاتکلیفی خو گرفته، هیچ راهی جز بازگشت به ارتقای بنیه تولید صنعتی و فناوریانه برای رهایی و نجات از گرفتاری‌ها وجود ندارد». مؤمنی رضاقلی را از معدود افرادی می‌شمارد که در میان کسانی که کار منظم و روشمند در زمینه توسعه‌کردن‌اند توانسته پیوند صنعت و تولید

فناورانه را با همه ابعاد نظام حیات جمعی تشخیص دهد. بیراه نیست که فرشاد مؤمنی هم‌فکر با رضاقلی که به اقتصاد نهادگرا می‌اندیشند، مدام به نورث ارجاع می‌دهد و اینجا نیز از این متفکر نهادگرا نقل می‌کند که بر ضرورت تولید فناوریانه با نظام حیات جمعی تأکید داشته است: «اگر کشوری این معضل را به‌موقع درک نکند، با یک زمین‌گیری و گرفتاری حیرت‌انگیز و مکرر رو به افزایش مواجه خواهد شد». مؤمنی در انتهای خوانش خود از «سراب‌گرایی صنعتی در نظام قبایلی ایران» اشاره می‌کند که رضاقلی تحلیل خود را از الگوی سنتی استعماری تقسیم‌کار بین‌المللی آغاز می‌کند که در اثر تفوق توان تولیدی اروپایی‌ها به ایران تحمیل شده بود. او همچنین از نقش تجرباشی‌ها سخن می‌گوید که منافع استعمارگرها را دنبال می‌کردند و به یک قدرت اجتماعی بزرگ و مانع‌تراش در برابر توسعه صنعتی ایران درآمده بودند. وابستگی‌های فناوریانه و ساخت سیاسی دوره قاجار براساس توسعه صنعتی غیر و امتیازات و معاهدات ننگین در این دوره از دیگر مباحثی است که رضاقلی به‌عنوان موانع تاریخی آنها را واکاوی می‌کند. دست آخر فرشاد مؤمنی تعبیری از تری کارل با‌عنوان «تله نفتی» را پیش می‌کشد که مسئله نفرین منابع را نتیجه ماهیت رژیم نفتی بین‌المللی می‌داند و معتقد است تله نفتی نه‌تنها پایداری سیاسی-اقتصادی دولت‌های نفتی را به خطر می‌اندازد بلکه با اغواگری‌هایی که دارد به‌عنوان یک تهدید برای سلامت اقتصاد بین‌الملل به شمار می‌رود. مؤمنی می‌نویسد در یک ارزیابی آسیب‌شناختی در عین حال که به راه‌گشایی‌های علی رضاقلی در این کتاب توجه داریم، باید به بررسی آنچه که به‌ویژه از ناحیه خام‌فروشی بر سرزمان آمده برداریم. آسیب‌های کشور از تله نفتی با تمام ابعاد زندگی اجتماعی گره خورده است و بنابراین باید از فرصت‌طلبی و سهل‌انگاری‌ها فاصله بگیریم.»

«غزل اجتماعی معاصر»، کتابی کتابستان

مفتون امینی، بیژن جلالی، فریدون مشیری و... دربر می‌گیرد.

باری، تاریخ غزل عرفانی هم نوشتن دارد. اگر چه باید خویشتن‌داری کرد که از ۴۰۳ مجلد بیشتر نشود؛ گویی شعر را آغاز هست، انجام نیست (با وام از سعدی). این ایام با شوق و ذوق، در انتظار انتشار بوطیقا/ شعرشناخت کلاسیک و مدرن مهدی مظفری‌ساوجی، یعنی «متافیزیک شعر» در دو هزار صفحه (سه جلد وزیری) هستیم؛ کتابی که چهار سال از عمر پُریار ایشان، صرف نگارش و تألیف آن شده است. سختکوشی و پُرکاری این دانشمند و پژوهنده جوان خوش‌فکر، همواره انگیزه اعجاب و مایه تحسین بی‌ریای من بوده است. خداهش در همه‌حال از بلا نگه دارد. امیدوارم پژوهش‌های ژرف‌رآز او را از ادامه و تداوم سرودن شعر، بازندارد. دیر زیاد این بزرگوار هنرمند.

گزارشی از مراسم بزرگداشت اصغر رستگار در اصفهان

قدرت وجدان جمعی



محسن زرمچی

اصغر رستگار یکم آبان ۱۳۲۸ در محله چانار تهران به دنیا آمد. دوره ابتدایی و سیکل اول دبیرستان را در مدرسه حافظ و سیکل دوم را در دبیرستان هدف تهران گذراند و در سال ۱۳۴۶ برای ادامه تحصیل راهی دانشگاه فردوسی مشهد شد. در تیرماه ۱۳۵۰، پیش از فارغ‌التحصیلی، توسط ساواک بازداشت و به سه سال حبس محکوم و سرانجام در سال ۱۳۵۳ از زندان آزاد شد. پس از آزادی در بهمن سال ۱۳۵۳ در رشته ریاضی فارغ‌التحصیل شد. در خرداد ۱۳۵۴ با مهری یگانه ازدواج کرد و اوایل دهه ۶۰ صاحب دو فرزند دختر شد. تا اواخر دهه ۶۰ با توجه به نابسامانی موجود در عرصه تألیف، ترجمه و نشر، به حسابداری و حسابرسی در شرکت‌ها و بانک‌ها مشغول بود. در سال ۱۳۷۳ برای دوری از همهمه و هیاهوی تهران به اصفهان مهاجرت و ضمن همکاری با فصلنامه «زنده‌رود»،

کتاب‌فروشی «رستاران» را تأسیس و چند سالی اداره کرد. رستگار که فعالیت‌هایش در زمینه فرهنگی، ادبی را از دبیرستان حافظ تهران در قالب مقاله و داستان شروع کرده بود، پس از قبولی در دانشگاه فردوسی مشهد نیز این فعالیت‌ها را در زمینه تئاتر، بازیگری، کارگردانی، نویسندگی و ترجمه ادامه داد و در دوران زندان نیز به‌اقتضای شرایط موجود بیشتر به ترجمه روی آورد.

پس از آزادی از زندان، تلاش رستگار برای

بازپس‌گیری نوشته‌هایش که توسط ساواک ضبط شده بود به‌استثنای ترجمه کتاب «سیستم و روش‌های هنر خلاق» که در چاپ‌های بعدی با نام «تئوری بنیادی هنر تئاتر» منتشر شد، تمریش نبود. از جمله آثار مفقودشده این دوره می‌توان به داستان بلند «آبادی‌های ویران» اشاره کرد.

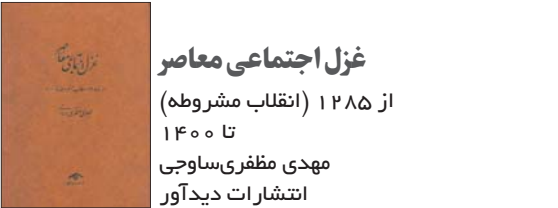
رستگار در طول سال‌های حیات آثاری از نویسندگان مختلف جهان ترجمه کرد که از آن میان می‌توان به این آثار اشاره کرد: «پنج نمایش‌نامه» و «امپراطور و جلیلی» از ایسن، «حاجت و مکافات» و «واردان کارامازوف» از داستایفسکی، «سیستم و روش‌های هنر خلاق» از استانیسلاوسکی، «در انتظار کودو» از ژاکل شارل کنیئر، «از عدن تا تبعید» از دیوید رال، «آتش‌کی که نگرفت» از جک لندن «پدر»، «دوشیزه جولیا» و «عید پاک» از استرینبرگ و همچنین داستان و رمان‌های «عشق و سایه‌ها»، «باد در بیس‌زاران»، «ماجراهای یونیکو»، «شازده کوچولو»، «آبگوش‌ت میخ» و قصه‌های هانس کریستین آندرسن، از جمله ترجمه‌های رستگار است. «گزارشگر رازهای نهفت» مجموعه مقالاتی در تحلیل آثار و اندیشه‌های هنریک ایبسن و ترجمه و پژوهش دوره چهار جلدی: «عهد عتیق: قصه زندگی و باور یک قوم» و «عهد جدید: در بوته نقد عقلی» از دیگر آثار اصغر رستگار است.

اصغر رستگار روز چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۲، در ۷۴ سالگی بر اثر ایست قلبی دیده از جهان فروست.

به همت فصلنامه «زنده‌رود» و با همکاری مجموعه فرهنگی «هفت داستان» عصر روز سه‌شنبه ۹ خرداد ۱۴۰۲ جلسه بزرگداشت اصغر رستگار در اصفهان برگزار شد که با استقبال علاقه‌مندان به ادبیات و هنر مواجه شد. در این جلسه، سخنرانان و مجری جلسه، ریحانه واعظ (شاعر) از اعضای شورای نویسندگان فصلنامه «زنده‌رود» بودند. در ابتدای مراسم محمدعلی موسوی‌فریدنی (اصفهان‌پژوه، حافظ‌شناس و مترجم)، با اشاراتی به اشعار فردوسی، مولوی، رودکی، نظامی، خاقانی، جامی، ملک‌الشعراء بهار و احمد شاملو از برخورد اهل هنر و ادبیات با آموشان در شعر فارسی صحبت کردند و به پیروزی از این سنت سخن‌خواندن غزلی از حافظ، بر

در توضیح این اصل می‌گوید که مدعای اصلی‌اش چنین است که تجربه آگاهانه از سازمان کارکردی ریزبافت پدید می‌آید و سامانه‌هایی که دارای تجربه آگاهانه باشند، اگر سازمان کارکردی ریزبافت مشترکی داشته باشند، تجربه‌شان به لحاظ کیفی این‌همان است. این اصل پایه مدعایی می‌شود که به شکلی شکست‌انگیز بیان می‌کند که در همه هم‌ریخت‌های کارکردی، آگاهی یک نامتغیر سازمانی است، چه در مغز و چه در تراشه‌های سیلیکونی.

اصل «دولایگی اطلاعات»: از صفحه ۴۱۵ کتاب، توضیح و تبیین این اصل آغاز می‌شود. چالمرز بیان می‌کند که اطلاعات دارای دو جنبه هستند؛ فیزیکی و پدیداری. میزان غنا و پیچیدگی وجه پدیداری آن، تجربه‌های آگاهانه پیچیده‌تری را نیز رقم می‌زند. از آنجایی که «اطلاعات» را همه‌جا می‌توان یافت، بنابراین «تجربه» هم در همه‌جا وجود خواهد داشت. اینها همه در نگره «دوگانه‌گرایی طبیعی‌گرایانه» توسط چالمرز پیشنهاد و به‌دقت توضیح داده می‌شوند. کتاب از چهار پاره و هرباره از چندین گفتار تشکیل شده است. در پاره نخست تحت عنوان بنیادها، مسائل اصلی مطرح می‌شوند و چارچوب‌هایی که بتوان سامان اصلی را درون آنها نشان داد برپا می‌شوند؛ تعاریف و مفاهیم آگاهی، ارتباط



غزل اجتماعی معاصر

از ۱۳۸۵ (انقلاب مشروطه)

تا ۱۴۰۰

مهدی مظفری‌ساوجی

انتشارات دیدآور

شرق: «غزل اجتماعی معاصر» اثر مهدی مظفری‌ساوجی، چندی پیش در چهار جلد از سوی انتشارات دیدآور منتشر شد. این کتاب ضمن بررسی و تحلیل غزل، تبارشناسی اجتماعی این قالب را در ادبیات فارسی پیگیری می‌کند و در این مسیر بر قرن ششم تمرکز می‌کند که نخستین بارقه‌های اجتماعی با خاقانی در غزل پدید آمد. گزیده غزل اجتماعی معاصر از انقلاب مشروطه تا سال ۱۴۰۰ نیز از دیگر بخش‌های عمده کتاب است که تاکنون بارها تجدید چاپ شده و اینک نیز به چاپ پنجم رسیده است.

زنده‌نگه‌داشتن یاد اصغر رستگار با توجه به آثار او تأکید کرد.

سپس حسام‌الدین نبوی‌نژاد (شاعر، شاهنامه‌پژوه و مدیرمسئول فصلنامه «زنده‌رود») با بیان اینکه هنرمندان از خیل جادوانه‌های بشریت‌اند، اصغر رستگار را هم از این خیل دانست. او سپس با بیان خاطره‌ای از احمد میرعلایی درباره تأکید بر اهمیت ترجمه، نمونه‌هایی از تحریف آثار ادبی در ترجمه‌ها را برشمرد و خاطرنشان کرد که رستگار با هدفمندی و امانت‌داری در ترجمه قصد داشت به ما گوشزد کند که با دقت بیشتری به ادبیات توجه کنیم. نبوی‌نژاد با اشاره به نمایش‌نامه «دشمن مردم» نوشته ایسن توضیح داد که در نتیجه خوانش مترجم نخست این اثر، ایسن به خوانندگان ایرانی به‌عنوان آثارشسیت معرفی شده است حال آنکه در ترجمه رستگار ما با سمت‌وسوی دیگری مواجه می‌شویم. نبوی‌نژاد ضمن تأکید بر بدیع و تازه‌بودن مقالات و ترجمه‌های رستگار، او را از جمله مترجمانی برشمرد که تابع بازار نبودند.

سخنران سوم در ادامه جلسه، شاپور بهیان (نویسنده و مترجم)، در سخنرانی خود درباره مراحل سلوک فکری رستگار صحبت کرد. او پروژه فکری رستگار را بر اساس سه دگردیسی «جان» نزد نیچه و «ضمیر ناهشیار جمعی» نزد فریود توضیح داد. بهیان بر این نظر است که پروژه رستگار در نهایت همان پروژه روشنگری و روشنفکران انقلاب مشروطه است. از این بابت که آنها می‌خواستند به کمک آگاه‌سازی، جامعه را از جهل و نادانی رهایی بخشند و به‌سوی پیشرفت و سعادت سوق دهند. به گفته بهیان، رستگار بعد از سرخوردگی از فعالیت سیاسی در دهه پنجاه، به بررسی خاستگاه‌های فرهنگ گرایش پیدا کرد و در تبارشناسی خود به این نتیجه رسید که قدرت وجدان جمعی با همان ضمیر ناهشیار جمعی چنان نیرومند



است که تلاش برای گذشتن از آن ممکن است در طاقت و تحمل فرد نباشد و چه‌بسا او در مقابل این قدرت تاب نیابد و در هم بشکند. سخنران بعدی، توح پیراحمدی (مترجم، اصغر رستگار را مترجمی توانا و پژوهشگری باریک‌بین معرفی کرد و با بیان این نکته که رستگار در دو دهه آخر عمر به تحقیق و ترجمه کتاب‌هایی در موضوع یهودیت و مسیحیت پرداخت، بر آن است که کاری که او در این آثار می‌کند، در واقع بر تو افکندن به ریشه‌های باورهای اعتقادی اعضای جامعه است. رستگار با ترجمه و تألیف چهار مجلد اثر تحقیقی درباره قوم یهود و خاستگاه دین یهودی و نیز زندگی قیاسی مسیح و دیداست مسیحی فرصت گران‌قدری از این حیث به مخاطب فارسی‌زبان داد که کتابخوان ایرانی با سرچشمه‌های تمدن غربی مدرن آشنا شود. یاراحمدی سخنش را با جمله‌ای از اصغر رستگار در ابتدای جلد نخست کتاب «عهد عتیق» به پایان برد: «گمان قالب این است که قصه و افسانه واقعیت و اعتبار تاریخی ندارد. درست است، رسوم و تفکر بشری شکل گرفته است. در ادامه مهری بهرامی (رمان‌نویس)، به تأثیر شناخت درام در ترجمه دو نمایش‌نامه از ایسن پرداخت و مازیار اخوت (شاعر و داستان‌نویس)، با یادی از کتابفروشی رستگار در دهه ۷۰، پرده‌ای از نمایش‌نامه «دشمن مردم» نوشته ایسن، به ترجمه رستگار را خواند. آتابهتا رستگار، دختر رستگار، سخنران پایانی مراسم بود که درباره زندگی و عناوین شماری از آثار اصغر رستگار سخن گفت و خصوصیات بارز رستگار را چنین بیان کرد: «هرگز برانگیزه‌خوانی نمی‌کرد، اهل مطالعه با برنامه و پژوهش منظم بود با منبع بسیار، ساعات کار مفید روزانه‌اش کمتر از ده ساعت نمی‌شد. او را همیشه در حال مطالعه، نگارش و اندیشیدن می‌دیدیم». در پایان مراسم آذین رستگار، دیگر دختر اصغر رستگار قطعه‌سازی برای تار را که ساخته خود او بود در ادای احترام به پدر نواخت. به‌گفته حسام‌الدین نبوی‌نژاد، متن مشروح و کامل سخنرانی‌های این جلسه در شماره آینده فصلنامه «زنده‌رود» منتشر می‌شود.

آگاهی با سایر بخش‌های ذهن، تبیین‌های متفاوت آگاهی و... در پاره دوم – فروکاست‌ناپذیری آگاهی – چالمرز به نقد تبیین‌های گوناگون فروگاستی آگاهی می‌پردازد؛ تبیین‌های پژوهشگران علم عصب، علوم شناختی و سایر حوزه‌ها. در نهایت استدلال می‌کند که مادی‌گرایی نادرست است؛ شکلی از دوگانه‌گرایی را پیشنهاد می‌کند. در پيش‌گفتار کتاب به آن اشاره کرده است: «من به دنبال نگره‌ای نویسنده تلاش می‌کند نگره‌ای ایجابی درباره آگاهی را مطرح کند و سه اصل پیشنهادی خود را که پیش‌تر توضیح داده شد، به شکلی جامع تبیین می‌کند. پاره چهارم – کاربردها – از دو گفتار جذاب تشکیل شده است که به هوش مصنوعی و مکانیک کوانتومی می‌پردازد. شاید پاره چهارم کتاب، تحقق نکته‌ای باشد که چالمرز در پيش‌گفتار کتاب به آن اشاره کرده است: «من به دنبال نگره‌ای درباره آگاهی می‌گردم که «کارا» باشد». خواندن این کتاب نه‌تنه‌ها برای هرکس که به شکلی جدی به مسئله آگاهی و فلسفه ذهن می‌پردازد لازم است، بلکه برای افرادی که از سر کنجکاوی در باب ذهن مطالعه می‌کنند نیز مفید است و انگیزه‌بخش ایشان برای هرچه عمیق‌تر شدن در مسئله جذاب «آگاهی» نیز خواهد شد. * مترجم در پانویس صفحه ۳۱ توضیح می‌دهد که چرا به جای واژه «منسج» ، «همدوس» را به‌عنوان برابر نهاد به کار برده است.